

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۹۵، صفحات ۱۰۱-۱۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۵/۱۴

مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و جمعیت جوان و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی با تأکید بر قرآن و حدیث^۱

یوسف فتحی^۲

چکیده

سبک زندگی بر ساختار جمعیت و جمعیت بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد، این سه مقوله از مسائل حیاتی کشورها هستند. سرمایه اجتماعی نقش اساسی در تعالی و تأمین اهداف جوامع دارد. در این مقاله، رابطه سبک زندگی و ساختار جمعیت از یک سو و از سوی دیگر تأثیر ساختار جمعیت بر سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر تغییرات ساختار جمعیت بر الگوهای تعامل و همکاری اجتماعی و سرمایه اجتماعی تا حدودی روشن شده است. ساختار جوان جمعیت، اثری مولد بر سرمایه اجتماعی و ساختار پیر جمعیت، باعث فرسایش و زوال منابع مولد سرمایه اجتماعی می‌گردد. جمعیت به عنوان یک ساختار اجتماعی متأثر از سبک زندگی در یک جامعه است. این مسئله با توجه به آیات شریفه قرآن و احادیث اسلامی براساس روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته. دو رویکرد بدبینانه و خوش بینانه به رشد جمعیت وجود دارد. در پایان تحقیق حاضر به این نتیجه رسید که اسلام یک دیدگاه سومی را متناسب با سبک زندگی اسلامی درباره جمعیت ارائه می‌کند و جمعیت جامعه پذیر و تربیت یافته را نه تنها تهدید ملی نمی‌داند، بلکه سرمایه اجتماعی تلقی می‌کند. متون اسلامی از یک طرف، به ازدواج، تولید مثل و ازدیاد جمعیت، اهمیت ازدواج با زنان فرزند آور، منع ازدواج با زنان عقیم، ذم تجرد، عامل رفاه دانستن ازدواج و فرزندان، و از طرف دیگر، بر اهمیت رفاه خانواده، تربیت و مسلمان بار آوردن فرزندان، تأکید می‌کند. در واقع جمعیت، یک مقوله فرصت-تهدید تلقی می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، احادیث، جمعیت، سرمایه اجتماعی، فرصت-تهدید.

۱ - این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «افزایش یا کاهش جمعیت و سرمایه اجتماعی با تأکید بر قرآن و حدیث» است که با حمایت دانشگاه زنجان در سال ۱۳۹۳ انجام می‌یابد.

Email: fathi@znu.ac.ir

۲ - استادیار دانشگاه زنجان

مقدمه

سرشماری سال ۱۳۸۵، رشد جمعیت ایران را در فاصله‌ی سالهای ۱۴۲۰-۱۴۳۰ منفی نشان می‌دهد. در صورت توقف روند فعلی کاهش سطح باروری کل از سال ۱۳۹۰ و رشد ۲/۴ درصدی در دهه ۱۴۲۰، رشد جمعیت متعادل خواهد بود و با ادامه‌ی روند فعلی، خطر انقراض نسل وجود دارد (مشفق و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵). مسئله کاهش جمعیت از حد نصاب و انقراض نسلی و ظرفیت کشور ایران برای جمعیت بیش از جمعیت فعلی، هر دو برای تصمیم‌گیری، مهم هستند. مقایسه سرشماری‌ها نشان می‌دهند، سهم جمعیت جوان از ۱۵ درصد سال ۱۳۳۵ به ۲۵ در سال ۱۳۸۵ رسیده ولی در سال ۱۳۹۰ به ۲۰ درصد کاهش یافته است (فلاح محسن خانی و همکارش، ۱۳۹۲، ۲۴۴). درباره افزایش جمعیت سه رویکرد قابل طرح است. رنه دومون^۱ متخصص فرانسوی در کتاب «ما بسوی گرسنگی می‌رویم»، افزایش جمعیت را واقعیت اندوه‌بار شمرده (آشفته تهرانی، ۱۳۶۴: ۲۰) و مالتوس بین نرخ جمعیت و مواد غذایی رابطه‌ای معکوس قائل شده (شاه آبادی، ۱۳۹۱: ۵۴)، معتقد است، جمعیت با تضاد هندسی و مواد غذایی با تضاد حسابی رشد می‌کند. این گروه، جمعیت را تابع اقتصاد می‌داند (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۱۹). از دیدگاه این گروه، افزایش جمعیت از موانع اصلی توسعه و باعث پائین آمدن نسبت زمین به فرد و نسبت سرمایه به کار (توانایان فرد، ۱۳۶۸: ۱۱۶) و تقطیع زمین‌ها، کاهش درآمد سرانه، مانع تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری می‌شود. طرفداران کاهش و کنترل جمعیت، افزایش جمعیت را عامل فقر و سیه‌روزی، می‌دانند. در برابر، عده‌ای جلوگیری از افزایش جمعیت را یک سیاست دژخیمانه برای

1- Renee dumon

نابودی جامعه و نسل بشر از طریق پیری جمعیت، از دست رفتن کوشش، کند شدن میزان پویایی در زمینه آموزش‌های علمی و صنعتی می‌دانند و معتقدند، تغییر ساختار جمعیت - از گروه‌های سنی جوان به گروه‌های سنی پیر - کاهش بهره‌دهی جامعه از نسلی به نسل دیگر را در پی دارد و در عرصه جهانی هم، جمعیت کشورهای جهان سوم نسبت به کشورهای صنعتی کاهش می‌یابد، بدون اینکه نوآوری داشته باشند (شاه حسینی، ۱۳۹۱: ۲۲). طرفداران افزایش جمعیت، آن را عامل رونق و توسعه اقتصادی می‌شمارند و اقتصاد را تابع جمعیت می‌دانند (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۱۹) و رابطه امپریالیستی، تقسیم نابرابر ثروت و تقسیم نا عادلانه کار در سطح جهان را باعث فقر می‌دانند (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۱۸). هزینه مصرف کننده یک کشور صنعتی ۱۶ برابر یک کشور عقب‌نگه داشته شده است. جهان سوم، علیرغم بالا بودن نسبت زمین به افرادش فقیر است. بنابراین، علل فقر، استعمار، استثمار و ناکارآمدی نظام‌های استبدادی است (توانایان فرد، ۱۳۶۸: ۱۱۹-۱۲۰). این گروه، با نقد نظریه مالتوس مبنی بر اینکه، اولاً، وی قادر به پیش‌بینی منابع ناشی از حمل و نقل و ایجاد زمین‌های کشاورزی جدید نبود، ثانیاً، در شرایط دلخواه حیوانات، گیاهان و تکنولوژی هم به تصاعد هندسی رشد می‌کنند (لوکاس و همکارش، ۱۳۸۱: ۴۹-۵۰)، معتقدند، دولت‌ها به جای فکر و برنامه‌ریزی برای افزودن «حجم تولید» در اندیشه کاستن از «نان خور» هستند. تاریخ نگرانی مالتوس را تأیید نمی‌کند. تاکنون حتی یک کشور از کثرت جمعیت به ستوه نیامده (زید، ۱۳۴۷، ج ۱: ۲۰۰). فرانسوا پرو اقتصاددان معاصر فرانسوی، انگیزه بنیادی توسعه اقتصادی را جمعیت و ژان اقتصاددان فرانسوی قرن شانزدهم، مهمترین عامل توسعه اقتصادی جوامع را سرمایه انسانی می‌دانند (آشفته تهرانی، ۱۳۶۴: ۶۵-۶۶).

آدلف کست^۱، شرایط لازم برای تمام ترقیات را در افزایش جمعیت و تراکم آن جستجو می‌کند، شرایطی که بدون آنها امکان ظهور آگاهی و رشد آن، یا فعلیت یافتن قوه ابتکار وجود ندارد (بوتول، ۱۳۷۰: ۲۶۳). جمعیت کم، مترادف با زوال سرمایه اجتماعی و قدرت ملی و حذف جامعه است نه توسعه آن. در شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی، رشد جمعیت محرک رشد اقتصادی است. افزایش جمعیت از جهت تقاضا و عرضه نقش اساسی در توسعه فعالیت‌های نوآورانه دارد. ابن خلدون بین رفتار دولت با مردم و افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی رابطه‌ای مستقیم، قائل است. همراهی، شیوه اعتدال و ملاحظت دولت با مردم، آنها را امیدوار می‌کند و باعث کوشش در راه توسعه و آبادانی و افزایش تولید نسل می‌گردد (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۶۸۵)، رفتار ظالمانه دولت با مردم باعث ناامیدی و بی‌رغبتی به عمران و آبادانی و بی‌میلی به تولید نسل می‌گردد. در اثر فقر جمعیت کاهش یافته و دولت در معرض انواع تهدیدات اجتماعی و نظامی قرار می‌گیرد (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۶۸۵). ژان بودن مولف کتاب مبانی جمهوریت، می‌گوید؛ هیچ ثروت و هیچ قدرتی بالاتر از جمعیت نیست (زنجان، ۱۳۷۱: ۱۲۰). جمعیت زیاد به مثابه ضریب اطمینان، قدرت چانه زنی سیاسی و یک حربه نظامی است. ساختار سنی، کیفی و کمی جمعیت در تحولات اجتماعی و اقتصادی مهم است. تحول جامعه و پیشرفت آن به نوآوری، نوآوری به جوانی و پویایی جمعیت وابسته است. هر دو دیدگاه، به اندازه کافی دلایل ذهنی و عینی دارند، نتیجه آن تکافتی ادله و تساقط و الزام جستجوی دلایل دیگر برای توسعه و فقر کشورهاست.

1- Adolphe Coste

با توجه به دو دیدگاه خوش بینانه و بد بینانه به افزایش جمعیت، مساله مقاله پیش رو، مطالعه سیاستگذاری جمعیتی و نگرش کاهش یا افزایش جمعیت با رویکرد اسلام و رابطه آن با تولید سرمایه اجتماعی و قدرت ملی است. سئوالات اساسی تحقیق عبارتند از: اسلام با افزایش جمعیت موافق است یا مخالف؟ افزایش جمعیت فرصت است یا تهدید؟ مقوله جمعیت، یک امر فردی-روانشناختی یا سیاسی و حاکمیتی است؟، براساس بررسی منابع دینی (قرآن و حدیث) فرض مقاله این است که در سبک زندگی اسلامی، رویکرد میانه به مساله جمعیت وجود دارد و جمعیت جوان جامعه پذیر از منظر کارکردی سرمایه اجتماعی و قدرت ملی و یک مساله اجتماعی فرصت-تهدید است. جمعیت یک مقوله حاکمیتی در عین حال علائق اشخاص مهم است. از این روی، افزایش یا کاهش جمعیت در چارچوب سیاست گذاری حکومت، مفهوم می یابد. روش تحقیق مقاله توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعه اسناد و متون و میدان اصلی تحقیق قرآن، تفاسیر، متون حدیثی و متون جمعیت شناسی است. در این مقاله پاسخ سئوالات و تحلیل فرض‌های مطرح شده با تأکید بر منابع دینی در دو بخش، مفهوم شناسی و رویکرد سوم، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مفهوم شناسی

سبک زندگی و جمعیت

سبک زندگی در رفتارها، کنش‌ها و عاملیت افراد جامعه، تأثیرگذار است. سبک زندگی امروز جامعه ایران از وقوع رفتارها و کنش‌های دهه‌های گذشته امتناع دارد و خود مقتضی کنش‌های جدید است. از این روی، اگر هدف ما در مسئله جمعیت روی

خانواده‌ها به فرزند آوری به عنوان یک کنش اجتماعی باشد، ضروری است، به سبک زندگی مردم توجه شود، ضرورت دارد، رابطه اقبال مردم به فرزند آوری با رفاه، سبک اوقات فراغت، سبک مصرف و سایر مقوله‌های زندگی تبیین شود. سبک زندگی، مفهومی است که این مسائل را تبیین می‌کند. اینکه چیزی یک امر منزلتی باشد یا نه، به سبک زندگی باز می‌گردد. تحقیق حاضر، نشان می‌دهد، فرزند آوری در سبک زندگی اسلامی، یک ارزش و منزلت است. در تعریف سبک زندگی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول، آن را مجموعه رفتارها و کنش‌های فرد می‌داند. این رویکرد هرچند به تأثیر نگرش‌ها و ارزش‌های فرد و جامعه در رفتار توجه دارد، ولی معتقد است، آنچه مهم است، خروجی است (Anderson & et al, 1984: 3)، مهم نیست که فرد چگونه می‌اندیشد، مهم این است که چگونه عمل می‌کند. امروز یک فرد مسلمان علیرغم اعتقاد به آیات قرآن، روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، رفتار دیگری از خود نشان می‌دهد. رویکرد دوم، سبک زندگی را مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌ها می‌داند (Wilkie, 1994:14)، به اعتقاد این گروه، فرمان کنش از ذهن صادر می‌شود، بستگی دارد، فرد چگونه می‌اندیشد، آن گونه عمل می‌کند. ذهن - عین و ارزش‌ها - رفتارها ارتباط مستقیم دارند. کنشگر در ارتباط با امر عینی اعم از فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و با توجه به خصایل آن ارزشیابی و عمل می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۱). هنگامی که یک زن فرزند آوری را تشبیه به ماشین جوجه کشی می‌کند و از فرزند آوری امتناع می‌ورزد، نشان‌دهنده تغییر سبک زندگی و تغییر نوع نگاه به زندگی است. این مساله از نگاه فردگرایانه نشات می‌گیرد.

جمعیت جوان و سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی منابع قابل دسترس برای کنشگران در ساختارهای اجتماعی است (Yeary et al, 2012: 333)، جمعیت جوان بخشی از ساختار اجتماعی یک جامعه است. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی ما را زیرک، سالم، در امنیت، ثروتمند و قادر می‌سازد تا بر سرنوشت خود حاکم باشیم (Putnam, 2000: 290). تحقیق شیانی و همکارانش نشان می‌دهد، عوامل تحصیل، قومی، رفتار عادلانه حاکمان، میزان آگاهی و عقل‌گرایی، احساس ارزشمندی، احساس تعلق به جامعه، دموکراسی، احساس قدرت، احساس بهره‌مندی و میزان دینداری بر سرمایه اجتماعی جوانان تأثیر دارند (شیانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۹). جمعیت، در نتیجه همزیستی حدود یک نسل ایجاد می‌شود (پرسا، ۱۳۷۴: ۳۳۵). جمعیت جوان، باعث افزایش شبکه‌های روابط اجتماعی و تعهدات اجتماعی می‌گردد و کاهش مولید از سبک زندگی فردگرایانه و واگرایی اجتماعی خبر می‌دهد. کمیت و کیفیت گروه‌ها و شعاع اعتماد روابط اجتماعی آنها (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۵۵) سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، جمعیت جوان بیشترین آمادگی را برای اعتماد‌پذیری و ریسک‌نمودن از طریق یادگیری و اجتماعی شدن و عضویت در گروه‌های داوطلبانه دارند. جوانان تجسم امیدها و رویاهای آینده جامعه سازمان‌هایی که در جامعه فعالیت می‌کنند، مرکز تلاش برای بازسازی سرمایه اجتماعی هستند. نقش خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و ... در خوب یا بد شدن جمعیت جوان غیرقابل انکار است. تحقیق ذکایی و همکارش نشان می‌دهد، جوانان بیشترین آمادگی را فعالیت‌های داوطلبانه و دیگرخواهانه دارند (ذکایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۹). جمعیت جوان به عنوان سرمایه اجتماعی

می‌تواند به نفع یا علیه نظام حاکم عمل کند. جمعیت جوان نظیر سرمایه اجتماعی، شمشیر دولبه و فرصت - تهدید است. انقلاب اسلامی، نتیجه تلاش، ریسک پذیری، تعهدات اجتماعی و همکاری متقابل جوانان جامعه است. کلمن کانون اصلی سرمایه اجتماعی را خانواده و مدرسه می‌داند و بر نقش آنها در رشد شناختی و کنترل اجتماعی جوانان تأکید می‌کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۸۰). احترام به جوانان و حفظ ارزش‌های مدنی آنها می‌تواند آنها را تبدیل به سرمایه اجتماعی کند. تحقیقات نشان می‌دهد، رشد جمعیت جوان در انباشت ثروت و سرمایه اقتصادی و بالابردن تأمین اجتماعی، مؤثر است (Shuanglin et al, 2003: 103).

سرمایه اجتماعی، تحقق اهداف یک جامعه را که در نبودش محقق نمی‌شود، امکان پذیر می‌سازد (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۴۹). یک حزب بزرگ، سرمایه‌اش جمعیت است. یک ارتش قوی، علاوه بر تجهیزات نظامی، بزرگترین سرمایه آن جمعیت است. در رقابت احزاب و گروهها یا افراد، کسانی پیروز هستند که جمعیت زیادی دارند، «به جهت نابرابری حوزه‌های انتخاباتی از لحاظ جمعیت، جناح اکثریت با اختلاف بسیار اندکی از آراء به قدرت می‌رسد» (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸: ۲۴۹). در این بین جمعیت جوان، نقش مؤثرتری ایفا می‌کند. همانطوریکه سرمایه اجتماعی، به عنوان روابط همکاری میان عوامل اجتماعی، مسائل کنش جمعی را حل می‌کند (Requena, 2003: 332)، جمعیت جوان، مسائل اجتماعی و اقتصادی یک جامعه را حل می‌کند.

جمعیت جوان و قدرت ملی

سرمایه به هر شکل باشد، قدرت تولید می‌کند. قدرت، توانایی تمرکز و هدایت

رفتار و تصمیم دیگران (مک لین، ۱۳۸۱: ۸۹) و دال مرکزی علم سیاست است. کمیت و کیفیت نیروی مبارز و عزم ملی یکی از عناصر اصلی قدرت ملی است (عالم، ۱۳۹۰: ۸۸) و رابطه مستقیم با جمعیت و سرمایه اجتماعی دارد. جدول شماره (۱) به بعضی از آنها اشاره دارد:

جدول ۱: رابطه جمعیت و قدرت ملی

ردیف	محقق	عنوان نظریه
۱	جان ویک لین	تعداد جمعیت، خصایص ملی، روحیه ملی، همبستگی ملی
۲	جلیل روشندل	میزان جمعیت، ترکیب جمعیت، کیفیت جمعیت، نیروی انسانی صنعتی
۳	دیوید جابلنسکی	عوامل جمعیتی شامل: اندازه، روندها، ساختار و غیره
۴	ریچارد دور و ایم مویر	جمعیت، تعداد، مهارت‌ها، سلامت، ساختار، خصوصیات اخلاقی و ملی
۵	گیلو فیشر	میزان و پراکندگی جمعیت
۶	مارتین گلاسز	جمعیت: جنبه‌های کمی و کیفی، تعداد نیروی نظامی، علایق ملی
۷	نیکلاس اسپایکمن	کثرت جمعیت
۸	محمد رضا حافظ نیا	جمعیت: تعداد، ترکیب سنی، طول عمر، مرگ و میر عمومی و کودکان

(قالیباف و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸)

جدول فوق نشان می‌دهد، جمعیت و کثرت آن یکی از مولفه‌های اساسی قدرت ملی است. قدرت ملی، حاصل سرمایه اجتماعی است. خصوصاً جمعیت جوان به دلیل قوت بدن، فراغت ذهن از مسائل دنیا، سلامتی حواس و عدم پابندی به موقعیت‌های اجتماعی، آماده کسب تمام فضائل، مهارت و ریسک پذیر برای رسیدن به کمال و تعالی فردی و اجتماعی و همکاری داوطلبانه در نهادها و شبکه‌های اجتماعی است. عنصر تعداد جمعیت در قدرت و ضعف جوامع، اساسی است. قرآن کریم، مرحله

قوت قوم حضرت شعیب را به کثرت قوم وی نسبت می‌دهد (سوره اعراف: ۸۶) و آن دوره را یوم الله می‌نامد. حضرت شعیب تلاش می‌کند، قدرت اجتماعی جمعیت را با قدرت ایمان عجین کند و گامی در جهت کیفی سازی قدرت جمعیت بردارد. جمعیت جوان با ایمان و کیفی از جهت تأمین نیرو، سرمایه انسانی و قدرت ملی اهمیت دارد و کاهش آن جامعه را با تهدید مواجه می‌سازد (عالم، ۱۳۹۰: ۱۴۰). امام خمینی، مولفه‌ی جمعیت را قدرت اجتماعی، محسوب می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۴۴)، که نماد عینی سرمایه اجتماعی و قدرت ملی است. آیه شریفه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) که با فعل امر شوع می‌شود و توصیه به قدرتمند شدن دارد، شامل تمام عرصه‌های قدرت اقتصادی، قدرت اجتماعی، سیاسی و نظامی می‌گردد. همه عرصه‌های قدرت با جمعیت، گره خورده است. «أَعِدُّوا» شامل عِدَّة و عِدَّة می‌شود. کلمه «اعداد» به معنی کسب آمادگی برای رسیدن به هدف است که بدون آن، غیرقابل وصول است و کلمه «قوة» به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۰-۱۵۱). عبارت علامه طباطبایی تقریباً مترادف با مفهوم کارکردی سرمایه اجتماعی است که بوسیله آن تحقق اهداف معین ممکن می‌گردد (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۴۹). بعضی از آیات، اولاد و جوان را فتنه ارزیابی می‌کند.

فتنه بودن اموال و اولاد و غفلت زانها (تغابن: ۱۵، انفال: ۲۸ و منافقون: ۹) از منظر قدرت قابل تحلیل است. به این معنی که قدرت اقتصادی، قدرت اجتماعی، سیاسی و نظامی، فساد آور، مستی آور و غفلت‌زا است. حضرت هود در خطاب به قوم می‌فرماید: ای قوم من استغفار کنید و توبه نمایید، در این صورت باران فراوان و پی در

پی برای شما می بارد و نیرویی بر نیرویتان افزوده می شود (هود: ۵۲)^۱، بنظر می رسد استغفار از یک سو نشاندهنده خداگرایی و از سوی دیگر کنار گذاشتن ردائیل اعتقادی، اخلاقی و رشد فضائل در جامعه باشد. رشد فضائل در جامعه مهمترین عنصر همگرایی و همبستگی و بالا رفتن روحیه همکاری و گرفته شدن سم فساد قدرت است. می توان گفت قرآن کریم، سه مولفه اساسی قدرت ملی و سرمایه اجتماعی را قدرت اقتصادی (اموال)، جمعیت (اولاد یا قوم) و اندیشه و باور (ایمان یا معنویت) می داند (سوره انفال: ۶۵ و ۶۶، سوره سبأ: ۳۷). ایمان مضاعف کننده قدرت است.^۴ عبارت «ضِعْف» دو برابر یا چندین برابر شدن است. هم آمیختگی قدرت اقتصادی (اموال) و قدرت اجتماعی یا جمعیت (اولاد و قوم) با قدرت ایمان به خدا و عمل صالح، قدرت ملی را دو یا چند برابر می کند (انفال: ۶۶، صادقی، ۱۳۶۵: ۲۷۷). اموال و اولاد با ایمان در دنیا عناصر قدرت و در آخرت عناصر تقرب به خدا هستند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۱۵). این آیات نشان می دهند، جمعیت ارزش ذاتی ندارد بلکه ارزش کارکردی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد و در صورتی که جمعیت با ایمان باشد، ارزش معنوی هم پیدا می کند.

۱ - وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ (هود: ۵۲)

۲ - إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرِينَ وَ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا آلَ مَنْ كَفَرُوا (انفال)

الآن حَفَفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلَّمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةً يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال)

۳ - وَ مَا أَمْوَالِكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِأَتَىٰ تُقْرَبِكُمْ عِنْدَنَا ذُلِّي إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضُّعْفُ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ (سبأ: ۳۷)

۴ - وَ مَا أَمْوَالِكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِأَتَىٰ تُقْرَبِكُمْ عِنْدَنَا ذُلِّي إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضُّعْفُ بِمَا عَمِلُوا (سبأ: ۳۷)

از آیات فوق چنین استنباط می‌شود که فساد عقیدتی (شرک) و فساد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باعث از بین رفتن قدرت ملی و سرمایه اجتماعی و سقوط جامعه و در مقابل توحید همراه با کثرت جمعیت را منشاء اصلاح اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است. فساد و خیانت، امنیت عمومی را که محور چرخ اجتماع (اعتماد و سرمایه اجتماعی) است، از بین می‌برد. اگر جامعه از محور نظم خارج شود و جمعیت آن به فساد روی آورد، می‌تواند تبدیل به پدیده مضاعف فسادآور شود. بنظر می‌رسد اکثر صاحب نظران بدین به پدیده افزایش جمعیت این روی جمعیت را مشاهده کرده‌اند. از مطالب فوق می‌توان دو برداشت کرد: یکم، فکثرکم در آیه «واذکروا اذکنتم قلیلاً فکثرکم» فرع بر رفاه اقتصادی و اجتماعی باشد، لذا حضرت شعیب هشدار می‌دهد که مبدا با اعمال فاسد در عرصه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی باعث زوال این نعمت گردید. دوم، ممکن است فقر اقتصادی و ضعف اجتماعی و سیاسی، فرع بر کمی جمعیت باشد که با افزایش جمعیت، رفاه فراهم می‌شود. برداشت اول، توسعه اقتصادی را عامل افزایش جمعیت و برداشت دوم، افزایش جمعیت را عامل توسعه اقتصادی می‌داند. کثرت جمعیت، سرچشمه قدرت، عظمت و پیشرفت جامعه است (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۵۲). از عبارت علامه طباطبایی برداشت دوم، قابل فهم است:

کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است، زیرا هر چه بر عدد افراد اجتماع افزوده شود، نیروی اجتماعیش بیشتر و فکر و اراده و عمل آن قوی‌تر می‌گردد و به دقایق بیشتر و باریک‌تری از حوائج پی برده، در حل مشکلات و تسخیر قوای طبیعت راه حل‌های دقیق‌تری را پیدا می‌کند. روی این حساب مساله ازدیاد نسل و اینکه عدد افراد

بشر به تدریج رو به فزونی می‌گذارد، خود یکی از نعمت‌های الهی و از پایه‌ها و ارکان تکامل بشر است. آری، هیچ وقت یک ملت چند هزار نفری نیروی جنگی و استقلال سیاسی و اقتصادی و قدرت علمی و ارادی و عملی ملت چندین میلیونی را ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳۹).

قرآن کریم و احادیث با تأکید بر اولاد (جمعیت جوان) به بهره‌ور بودن این قشر و بار مالی قشر مسن اشعار دارد. قرآن کریم دو عنصر اصلی قدرت مبارزه را قدرت اقتصادی و مالی (باموالهم) و قدرت اجتماعی و جانی (بانفسهم) مطرح می‌کند که جمعیت جوان تأمین‌کننده هر دوی آنها است، از این نظر، جمعیت جوان یک، فرصت است و در مقابل آیاتی، همین دو مولفه را عناصر «فتنه»، «عداوت» و «غفلت» مطرح می‌کنند^۱. این عبارات نشان می‌دهند که قدرت اقتصادی و جمعیت، یک تهدید است. جوانی یا پیری ساختار جمعیت و فرصت یا تهدید شدن آن، با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت، ارتباط تنگاتنگی دارد (شیخی، ۱۳۶۸: ۱۳۳)، هدف اصلی آن ارتقای شرایط زیستی و کیفیت زندگی همه مردم و آماده ساختن آنان برای نقشی فعال و سازنده در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۹). دولت اسلامی، به عنوان مجری مشیت الهی در زمین می‌تواند، با احیا و ترویج سبک زندگی اسلامی، جمعیت جوان را به عامل توسعه اقتصادی و اجتماعی و سرمایه انسانی و اجتماعی، تبدیل کند. قرآن کریم، روزی خدا را رشد‌یابنده و با دوام مطرح می‌کند (طه: ۱۳۱). دو قید بهتر و پاینده تر بودن روزی مردم، ناشی از توسعه و تعالی

۱ - و اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم (الانفال: ۲۸۹)، یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ اَمْوَالُکُمْ وَلَا اولادکم عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِکَ فَاُولَٰئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (المنافقون: ۹)

جامعه و ایجاد فضای سالم کسب و کار است که از شئون دولت اسلامی است. وجود فضای کسب و کار سالم در جامعه، زمینه مصرف به ازاء کار و تلاش (طور: ۱۹، مرسلات: ۴۱)^۱ و رفع تبلی و مفت خواری از جامعه به سبک زندگی باز می‌گردد. مصرف گوارا، حاصل کار و تلاش است. کسب و کار سالم و رواج معاملات و مکاسب شرعی، زمینه روزی گوارا را فراهم می‌کند. در یک سبک زندگی سالم از نظر اقتصادی و اجتماعی، تعدیل ثروت (حشر: ۷)^۲، اصالت می‌یابد و در عین احترام به مالکیت خصوصی، از تمرکز اموال و ثروت در دست گروهی محدود امتناع می‌ورزد. رعایت صحیح مقررات اسلامی در زمینه تحصیل و توزیع ثروت چنین نتیجه‌ای را خواهد داد و از دو قطبی شدن جامعه (اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) جلوگیری می‌کند (مکارم، ۱۳۷۴: ۵۰۷). با تحقق تعدیل ثروت، تأمین اجتماعی و اقتصادی (شعراء: ۷۹-۸۰)^۳ و همگرایی در جامعه محقق و امید در میان جوانان احیا می‌شود. دولت اسلامی که مدعی جانشینی خدا است، این وظیفه را به عهده دارد که امور مردم را در سطح نیازهای اولیه و ثانویه سامان دهد. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های جمعیت با حفظ علایق و سلايق افراد، یک مساله حاکمیتی است (پیام رهبری، ۱۳۹۲/۸/۶). از آنجائی که آیات فوق، ساماندهی و تأمین اقتصادی و اجتماعی را وظیفه دولت می‌دانند، نه تنها سیاست‌های جمعیتی در اختیار دولت است، بلکه توزیع جمعیت نیز به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دولت باز می‌گردد. امام خمینی در عین

۱ - کَلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۲ - كِي لَا يَكُونَ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْاَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ

۳ - وَاللّٰى يَطْعَمُنِي وَ يَسْقِينِي وَ اِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي

کافی دانستن وسعت و امکانات ایران، برای رفاه صد و پنجاه تا دویست میلیون جمعیت (خمینی‌امام)، (۱۳۷۹: ۳۹۳)، کنترل موالید (خمینی‌امام)، (۱۳۷۹: ۱۸۳) و تعیین فواصل آن را در ردیف مسائل و احکام حکومتی و تابع تصمیم دولت می‌داند (خمینی‌امام)، (۱۳۷۹: ۱۷۸-۱۷۶). آیت الله خامنه‌ای هر اقدام و تدبیر متوقف کننده، قبل از آن حد را صحیح نمی‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). طبق سرشماری ۱۳۸۵ تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع در استان سمنان ۷/۶ نفر و در تهران ۷۱۳ نفر است (اطاعت، ۱۳۹۰: ۱۷). آیا سمنانی‌ها از تهرانی‌ها ثروتمندتر هستند؟ پاسخ سؤال منفی است، لیکن شرایط اقتصادی و اجتماعی تهران، مقتضی مهاجرت از سایر مناطق به درون تهران است. توزیع نرمال منطقه‌ای جمعیت و میزان فرزندآوری به عنوان یک کنش اجتماعی که از سبک زندگی مردم تأثیر می‌پذیرد و تغییر نگرشها و ارزشهای مردم بگونه‌ای که علائق خانواده‌ها برای فرزندآوری با برنامه‌های دولت همسو باشد به سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی دولت وابسته است. بنابراین، حاکمیتی بودن مساله جمعیت نمی‌تواند تأثیر سبک زندگی مردم را نادیده بگیرد. کاهش جمعیت در ایران پیش از اعمال سیاستهای کنترل جمعیت، زمانی آغاز گردید که سبک زندگی مردم و شیوه‌های رفتاری آنها با افزایش سطح بهداشت، درمان، سواد و اشتغال زنان تغییر یافت. از این روی، هر گونه تغییر در رفتار فرزندآوری مردم نیازمند تغییر در سبک زندگی آنها است. مردم با امر و نهی سبک زندگی خود را تغییر نمی‌دهند.

رویکرد سوم

از نگاه اسلامی، سبک زندگی انسان تحت تأثیر سه نظام روان‌شناختی، اجتماعی و آفرینش است. عدم فهم صحیح روابط بین آنها، انسان را دچار خطا می‌کند. نظام

آفرینش، مکانیسم تولید نسل را در وجود انسان نهاده است، ولی مکانیسم‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، تمایلات و ترجیحات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و انسان بجای اصلاح این مکانیسم‌ها اقدام به تغییر مکانیسم طبیعی، می‌کند. بکارگیری عقل برای تنظیم و مدیریت زندگی اجتماعی چیزی است، خودخواهی چیز دیگری است. جمعیت دو خاصیت پیش‌برنده و بازدارنده دارد. از یک سو، نیروی کار متناسب، ماهر، خلاق، نوآور و فعال اقتصادی، تجاری، تولید و مصرف به جمعیت جوان وابسته است، از سوی دیگر افزایش یا کاهش بی‌رویه جمعیت، بازدارنده در تمامی عرصه‌های فوق است. جمعیت نظیر سرمایه اجتماعی، شمشیر دو لبه است. نوع رژیم سیاسی حاکم و نهادهای تربیت می‌توانند، جمعیت جوان را در راستای تولید و فعالیت یا تنبلی هدایت کنند. از آیات قرآن و احادیث دو رویکرد، ازدیاد کمی همراه با کنترل کیفی قابل برداشت است. منظور از رویکرد سوم همین است.

کمیت جمعیت

کمی فرزندان خانواده باعث تنبلی والدین و فرزندان است (اطاعت، ۱۳۹۰: ۹-۱۲)، دلیل فقر و گرسنگی، نه افزایش جمعیت، بلکه نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. تحدید نسل در کشورهای اسلامی یک مقوله سیاسی و هدف آن تضعیف مسلمین و بی‌ربط به امور اقتصادی است (حسینی، ۱۴۲۵ه: ۲۳۳). کشورهای اسلامی، امکانات مادی و معنوی بیش از جمعیت خود را دارند. مسئله کشورهای اسلامی نه کمبود امکانات بلکه ناکارآمدی مدیریت، حاکمیت نظام‌های استبدادی، افراد ناصالح و غارت ثروت آنها توسط کشورهای استعماری است (حسینی، ۱۴۲۸ه: ۴۱۱).

آمارتیا سن معتقد است، واقعیت‌های موجود جهان، بحران مواد غذایی را تأیید نمی‌کند، از تاریخ پیش‌بینی مالتوس در ۱۷۹۸ تاکنون جمعیت جهان شش برابر شده است، در حالی که تولید مواد غذایی و مصرف سرانه بیشتر و استاندارد زندگی افزایش یافته است (سن، ۱۳۸۱: ۲۳۲). موارد زیر دلایل تأیید رویکرد ازدیاد جمعیت در متون دینی هستند:

۱-۲. ازدواج - ارزش، قرآن کریم، ازدواج را ارزش می‌داند، دولت و جامعه اسلامی را مکلف به زمینه سازی ازدواج افراد مجرد می‌کند^۱. فرزند یک پدیده پیچیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و مظهر ثروت، منزلت، میراث دار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. ارزش ازدواج و تولید نسل به قدری است که پیامبر اکرم (ص)، ازدیاد فرزند را مایه مباحات می‌داند (طرابلسی، ۱۴۰۶ه: ۱۷۸، حسینی، ۱۴۲۸ه: ۴۰۹). متون دینی تأکید می‌کند، ازدواج کنند «تَزَوَّجُوا»، به دولت و جامعه تأکید می‌کند که در جهت ازدواج افراد مجرد اقدام کنند «زَوِّجُوا» و به مزدوجین تأکید می‌کند که فرزند بیاورند «وَاطْلُبُوا الْوَالِدَ» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۲۳۲). ازدواج سنت پیامبر و زیادی امت مایه افتخار محسوب شده است (نوری، ۱۴۰۸ه: ۱۷۸، مجلسی، ۱۴۰۴ه: ۲۱۸)، تفاخر پیامبر اکرم به ارزش ذاتی جمعیت باز نمی‌گردد، بلکه به ارزش کارکردی جمعیت دلالت دارد که بقای نظام جامعه از تمام حیث به آن وابسته است و نشان می‌دهد که در سبک زندگی اسلامی فرزندآوری برای یک مسلمان ارزش است. فخر پیامبر به زیادی امت به عنوان الگوی سبک زندگی مسلمانان در رهیافت آنها به خانواده و ارزش فرزندآوری مؤثر است. بنظر می‌رسد پیامبر از منظر قدرت ملی و سرمایه اجتماعی به جمعیت نگاه می‌کند. جمعیت جوان هم کیش در تصمیم گیری‌ها،

۱ - وَآتِكُمْوَالْآيَامِي مِنْكُمْوَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِن يَكُونُوا قُرَاء يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور: ۳۲)

اقدامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از توانایی و قدرت بیشتری برخوردار است. امروز در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی توزیع و تراکم جغرافیای جمعیت هم کیش و منسجم تعیین کننده است. از این روی، تولید نسل، فرزندآوری و تکثیر جمعیت، مطلوب شارع است (حلی، ۱۳۸۸ه: ۵۶۵)، مطلوبیت چیزی، بیانگر ارزش آن است. حدیث یک امر جامعه‌شناختی، سیاسی و اقتصادی را با یک امر روان‌شناختی تبیین می‌کند. پیامبر تأثیر جمعیت در اقتصاد، سیاست و اجتماع و تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی را لمس می‌کند. قرآن کریم، زیادی جمعیت را یک نعمت و یک امر قابل یادآوری یاد می‌کند «و به یادآورید زمانی که جمعیت اندکی بودید، ولی پروردگارتان شما را فزونی بخشید»، عبارت «کثرکم» در آیه به «افزایش جمعیت» (طریحی، ۱۴۱۶ه: ۴۶۹) و دوره ازدیاد جمعیت، دروه قابل یادآوری شمرده می‌شود. صاحب تفسیر ارشاد الازدهان، عبارت «کثرکم» را به افزایش جمعیت، ثروت و قدرت، تعبیر می‌کند (نجفی، ۱۴۱۹ه: ۱۶۷). در واقع این عبارت شامل سه عرصه قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی است. جمعیت جوان در هر سه حوزه مولفه قدرت است.

۲-۲. زنان ولود- ارزش، از نگاه پیامبر اکرم (ص)، زنان فرزندآور (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۲۳۸) سیاه روی بهتر از زنان زیبا روی نازا (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۱) و زنان عقیم^۲ از حیث ارزش اجتماعی، کمتر از حصیر کهنه کنار خانه هستند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ه: ۲۸۸). اگر هدف ازدواج فقط لذات جنسی بود، زن زیبا روی عقیم فایده

۱ - وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُ (اعراف: ۸۶)

۲ - مفهوم عقیم مانند مفهوم ولود متفاوت از برداشت عامه است. از نظر عموم مردم زن یا مردی که ناتوانی ذاتی از فرزندآوری دارد، عقیم است. در حالی که عقیم ممکن است به دلیل ناتوانی ذاتی برای فرزندآوری یا عدم میل به فرزندآوری و یا با استفاده از امکانات پزشکی باشد. از ازدواج با زنان عقیم منع شده است. عقیم، مردی که نطفه ندارد یا زنی که نطفه نمی‌پذیرد.

مندتر بود^۱. عبارت «ودود» و دوستداری فرزندآوری به طرز تفکر و زمینه‌های فرهنگی و سبک زندگی باز می‌گردد. تغییر الگوی زندگی زنان با ورود به عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، باعث تأخیر سن ازدواج، میزان زاد و ولد، کاهش ازدواج و افزایش طلاق گشته است (فلاح محسن خانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۹). فرهنگ سازی و ایجاد تغییر نگرش مثبت به فرزندآوری، کاهش سن ازدواج و رفع موانع اقتصادی و اجتماعی ازدواج از همه مهمتر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، مهمترین مانع ازدواج و فرزندآوری، تغییر سبک زندگی مردم است. «ولود» یا فرزندآور بودن زنان به توانایی فیزیولوژیکی و بیولوژیکی و به طرز تفکر و سبک زندگی آنها مربوط است. طرز تفکر «مگر می‌خواهم چقدر عمر کنم که تعداد زیادی فرزند داشته باشم و مگر کارخانه فرزند دارم»، مانع رفتن زنان و مردان به سمت باروری است، هر چند، توانایی باوری از نظر جسمی را داشته باشند. بر این مبنا دوستدار فرزندآور بودن به طرز تفکر و سبک زندگی باز می‌گردد. تأکید بر ازدواج با زنان ولود^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳)، توجه به سبک زندگی و طرز تفکر خانواده‌ها را ضروری می‌سازد. مهمترین معیار همسرگزینی از نگاه پیامبر نه جمال و زیبایی ظاهری و نه مال و ثروت، بلکه تدین، مهرورزی و فرزندآوری (کاشانی، ۱۴۲۵: ۱۴۷۲)، در واقع سبک زندگی است.

۲-۳. فرزند کشی - ضد ارزش، قتل فرزند با روش‌های کهنه و مدرن، ممکن است به دلایل ترس از فقر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ترجیحات جنسی باشد.

۱ - تذکر: زن یا مرد عقیم از نظر ارزش انسانی و الهی فرقی با دیگران ندارند، بلکه از نظر کارکرد اجتماعی و آینده‌نگرانه از طریق جایگزینی نسل باز تولید ارزش نمی‌کنند.

۲ - ولود بر وزن فاعول یا به معنی اسم فاعل و فرزندآورنده و یا صیغه مبالغه و کسی که زیاد فرزند می‌آورد، می‌باشد.

در دوره جاهلی، احساس ننگ و خواری به دلیل ازدواج، اسارت، ناتوانی‌های اجتماعی، اقتصادی و نظامی دختران از دلایل مرگ آنان بود. خدای متعال در آیات متعدد همه این تفکرات را رد می‌کند (انعام: ۱۵۱). عبارت املاق در آیه شریفه، به معنی خود یا دیگری را از اموال و تمتعات دنیوی خالی کردن است (مصطفوی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). احساس خلاء به عنوان عامل قتل، علاوه بر فقر مالی، شامل ترجیح جنسی، اجتماعی، فرهنگی، هم می‌شود. از این روی قرآن جمعیت را عامل فقر نمی‌داند و کشتن عده‌ای به خاطر بقای دیگران را هرگز تأیید نمی‌کند. جمله «نحن نرزقکم و ایاهم» نشان می‌دهد که ترس بشر از فقر اقتصادی و گرسنگی، کوتاه بینی است. اگر چه از این آیه تشویق به فرزندآوری استنباط نمی‌شود، لیکن عدم ترس از فرزندآوری به دلیل ننداری و تنگدستی از آن استفاده می‌شود. فقر نتیجه سیستم سیاسی و اقتصادی ناکارآمد و ظالمانه است نه افزایش جمعیت. شبکه پنجم تلویزیون فرانسه، مرگ ناشی از بیماری‌های چاقی در جهان را هر سال دو میلیون و ۸۰۰ هزار نفر و حدود یک میلیارد و ۴۰۰ هزار نفر را مواجه با عارضه چاقی و پدیده چاقی را دامنگیر کودکان در کشورهای توسعه یافته اعلام می‌کند. پرخوری و تغذیه بیش از حد، عامل مرگ سالانه ۴/۲ میلیون نفر در سراسر جهان است. این مقدار بیش از تعداد مرگ بر اثر گرسنگی است (چاپاگین^۱، ۱۳۷۰). از این روی، فرار از ازدواج و فرزندآوری به دلیل ترس از گرسنگی و مرگ ناشی از آن، موضوعیت ندارد. هرچند، جمعیت زیاد بدون تأمین منابع زیست محیطی، امکانات اقتصادی و اجتماعی باعث تضعیف قدرت ملی و سرمایه اجتماعی شده و منشاء آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی

۱ - رییس فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در منطقه آسیا و اقیانوسیه (IFRC)

و امنیتی می‌شود.

۴-۲. تجرد- ضد ارزش، پیامبراکرم (ص) فرمود: پست‌ترین مردگان شما افراد مجرد و اکثر اهل جهنم از مجردین هستند (صدوق، ۱۴۱۳هـ، ج ۴: ۴۱۶). امام باقر(ع) فرمود: هر کس ازدواج را به خاطر ترس از عیال مندی و فقر ترک کند، به خداوند سوء ظن دارد. زندگی مجردی، مبتنی بر یک نوع سبک زندگی فردگرایانه است. ذکر دو نکته بسیار مهم است؛ نخست، اینکه، قرآن کریم، اولاد را عامل تداوم جوامع محسوب می‌کند (الاسراء: ۶)، تداوم جامعه با توسعه همه جانبه مادی و معنوی رابطه دارد. قرآن کریم، جمعیت جوان (اولاد) را به یک سرمایه اجتماعی از منظر کارکردی عامل توسعه پایدار، می‌داند. شرط توسعه و تداوم فراوانی و رفاه، طلب مغفرت گناهان از خداوند است «استغفروا ربکم». استغفار عامل هم‌افزایی خداگرایی و جامعه‌گرایی است. از نگاه روایات اسلامی، ازدواج عامل افزایش روزی و جلب‌کننده آن است (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۲۳۲، کاشانی، ۱۴۲۵هـ: ۱۴۷۰)، همسر و فرزندان عامل افزایش روزی هستند. تجربه هم این مساله را اثبات می‌کند. دوم، اینکه، از نگاه قرآن منبع تغذیه انسان منحصر در زمین نیست، به عوامل مختلف وابسته است. ستمگری انسان‌ها و کفران نعمت، مانع افزایش روزی و رفاه است (ابراهیم: ۳۴)، یعنی اخلاق و رفتار انسان‌ها در رفاه و فراوانی مؤثر است. فراوانی و توسعه اقتصادی به توسعه فرهنگی «آمنوا» و توسعه اجتماعی «و اتقوا» وابسته است (اعراف: ۹۶). رفاه اقتصادی و امنیت به طور مطلق به بندگی خدا نسبت داده شده است (قریش: ۳ و ۴). کشورهای ثروتمند، ثرویشان به کنترل جمعیت نیست، بلکه به دانش است. آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرنند (زمر: ۹).

تحلیل نکات فوق نشان می‌دهد که برداشت افرادی مانند پیرنیا از افزایش جمعیت صحیح است که سبب بالارفتن سطح اندیشه و صنعت، تسریع بهره‌برداری از نوآوریها و اختراعات و اکتشافات می‌شود (پیرنیا، ۱۳۴۵: ۸). فرزند، احساس خوشبختی و امید به زندگی را در جامعه افزایش می‌دهد.

کیفیت جمعیت

کمیت جمعیت در تولید سرمایه اجتماعی و قدرت ملی، شرط لازم و کیفیت آن شرط کافی است. جمعیت سالم، فرهیخته، مرفه و معتقد، اعتماد اجتماعی و قدرت چانه زنی ایجاد می‌کند. شهروند خوب، مورد تأکید اسلام است. نشانه‌های شهروند خوب، کنار گذاشتن اختلافات قومی، زبانی، دینی، سیاسی و ملاک قرار دادن تقوی است (حجرات: ۱۳). افزایش جمعیت با کیفیت، سقف ندارد، لکن چند عامل باعث محدودیت است.

۳-۱. کیفیت زندگی، رفاه و آسایش، یک مولفه اساسی در کیفیت زندگی است. رسول الله (ص)، کمی عیال را یکی از عوامل رفاه می‌داند (صدوق، ۱۴۱۳هـ: ۴۱۶). کثرت عیال و قلت دارایی باعث مشقت و گرفتاری (جهد البلاء)^۱ است. از این روی عقلانی است که در دوره نداری به کاهش عیال روی آورد (مغربی، ۱۳۸۵هـ: ۲۵۵). منظور از عیال، افراد تحت تکفل هستند (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۳۲۸) نه صرفاً فرزندان. بر این اساس، فقر عامل کنترل جمعیت است نه جمعیت عامل فقر. فقر بر دو مبنای دارایی کافی و محرومیت نسبی، تعریف می‌شود. بر مبنای دارایی، عدم توانایی بر تأمین

۱ - جهدالبلاء، مشقتی است که انسان در آن حالت آرزوی مرگ می‌کند و یکی از عوامل آن کثرت عیال همراه فقر است.

کالری مورد نیاز، فقر است. مبنای محرومیت، اجتماعی و نسبی است (وبستر، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰). مانعیت فقر، خصوصاً فقر واقعی از انجام بسیاری از امور یک واقعیت است. اما آیا علت فقر افزایش جمعیت است؟ آیا سهم ناکارآمدی نظام های حاکم، استعمار، تبعیض و نابرابری فرصت‌ها، تنبلی و کم کاری، دزدی از کمیت و کیفیت کار، تقلب در کار و حاکمیت ناشایستگان دخالتی در آن ندارند؟ اگر با حل همه این مسائل و افزایش جمعیت، فقر و گرسنگی ادامه یافت، می‌توان جمعیت را یک عامل فرض نمود.

۲-۳. فرزند سالم و فاصله باروری، چند نکته اساسی در این بخش قابل طرح است؛ نخست، تأکید بر دو سال کامل دوره شیرخوارگی توسط مادران (بقره: ۲۳۳) به اهمیت فرزند سالم و با کیفیت اشاره دارد. از این روی فاصله طبیعی بین فرزندان چهار سال (دو سال دوره شیرخوارگی، حدود یک سال دوره حمل به صورت نرمال و حداقل یک سال دوره تجدید قوا برای مادر) خواهد بود. دوره شش ماه حمل استثنا است. براساس بررسی سازمان بهداشت جهانی، میزان مرگ و میر در میان کودکان با فاصله دو سال دو برابر کودکانی است که چهار سال فاصله دارند (جهانفر، ۱۳۸۰: ۹۴). فاصله کوتاه بین ولادت‌ها، ارتباط مستقیم با مرگ حین تولد، وزن کم کودک و زایمان زودرس دارد. ملزم نبودن مادران به شیر دادن بدون تأمین هزینه از سوی پدر (بقره: ۲۳۳) از عوامل کنترل است. در حال حاضر که سن ازدواج بالا رفته و میانگین سن حدود ۲۵ سال است، یک زن ۱۵ تا ۲۰ سال فرصت باروری دارد. دوم، عبارت «مولود له» در آیه می‌تواند از پدر به دولت و جامعه توسعه یابد. افزایش زاد و ولد، نیاز به تأمین نیازهای اولیه و ثانویه دارد. از آیه شریفه استفاده می‌شود که فرزند سالم نیاز به

هزینه دارد. هزینه جانی از مادر و هزینه مالی از پدر یا دولت است. خانواده در اسلام یک خانواده زیستی نیست که فقط تولید نسل کند و مسئولیتی در قبال تربیت فرزندان نداشته باشد، تربیت اولاد صالح، یک امر ضروری است (حسینی، ۱۴۲۷ه: ۱۶۲). علیرغم هزینه دوره شیرخوارگی و تربیت، باروری نمی‌تواند تنها از طریق شرایط اقتصادی تبیین شود، ارزیابی ارزشها و منافع غیراقتصادی فرزندان اهمیت دارد. ارزش فرزندان می‌تواند مجموعه چیزهای خوبی که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند، تعریف شود (لوکاس و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۱۰). ارزش‌های روانشناختی و احساسی، جامعه‌شناختی (کسب هویت با فرزندان و پیوستگی و تداوم خانوادگی) و مذهبی فراتر از هزینه‌های اقتصادی فرزندان برای والدین هستند.

۳-۳. در روایات به جدا کردن محل خواب والدین و فرزندان (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۳۹۹) و اتاق فرزندان از همدیگر، تأکید شده است. رضامندترین مردم در نزد خدا، کسی است که وسیع‌ترین زندگی را برای عیال خود فراهم کند (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۷۲۲). امام رضا (ع) تعلیل می‌کند: مبدا اعضای خانواده به دلیل عدم رفع نیازهای آنها، آرزوی مرگ پدر را داشته باشند (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۷۷۳). بنابراین، باروری می‌تواند به موازات توسعه اقتصادی و افزایش استاندارد زندگی کاهش یابد، این رخداد به کمبود زمین و مواد غذایی ارتباط ندارد. در واقع، دلیل کنترل جمعیت، مسئله تربیتی است نه تراکم جمعیت به ازای هر کیلومتر مربع و کاهش مواد غذایی. کشورها سه دسته‌اند، کشورهای با مساحت کم، جمعیت زیاد و درآمد سرانه بالا. سنگاپور با ۷۰۰ کیلومتر مربع، حدود پنج میلیون نفر جمعیت دارد. بر این مبنای ایران می‌تواند بیش از یازده و نیم میلیارد نفر جمعیت داشته باشد. بر مبنای ژاپن می‌تواند ۵۵۰ میلیون نفر

جمعیت داشته باشد. در مقابل، مغولستان با تراکم ۱/۲ نفر در هر کیلو متر مربع با درآمد سرانه پایین یک کشور فقیر و کانادا با تراکم جمعیتی کم و ثروت بالا است. بنابراین هیچ نظریه اقتصادی جمعیت زیاد یا کم را الزاماً خوب یا بد نمی‌داند (نرجه، ۱۳۸۹). از این روی، فقر و غنای یک کشور بستگی به عوامل متعدد دارد. شاخص تولید سرانه مواد غذایی بر اساس آمار فائو^۱، در بسیاری از نقاط پرجمعیت جهان مانند چین، هند و دیگر نقاط جهان به جز آفریقا افزایش یافته است (سن، ۱۳۸۱: ۲۳۲-۲۳۳). آنچه مهم است اینکه کنترل جمعیت، صرفاً به مواد غذایی ارتباط پیدا نمی‌کند. اسلام به دنبال تاسیس خانواده‌های متعالی همراه با فرزندان تربیت یافته، فعال و کارگر است. حاصل سخن اینکه، جمعیت جوان زیاد تربیت یافته به آداب اسلامی، یک فرصت و سرمایه اجتماعی مثبت از منظر کارکردی است، این، جمعیت حاصل سبک زندگی اسلامی است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بررسی سبک زندگی اسلامی، جمعیت و سرمایه اجتماعی به این نتیجه می‌رسد که از آیات و روایات، جمعیت، یک مساله فرصت-تهدید و از منظر کارکردی یک سرمایه اجتماعی است. برخی از صاحب نظران، زیادی جمعیت را عامل توسعه اقتصادی و تکامل اجتماعی و کمی جمعیت را باعث تنبلی و غیرفعال شدن جامعه و دلیل فقر را نه افزایش جمعیت بلکه نظام‌های اقتصادی و سیاسی دانستند و بعضی، زیادی جمعیت را عامل سیه روزی دانسته‌اند. متون دینی با طرح رویکرد

سوم، جمعیت را با سبک زندگی اسلامی، گره زده و زیادی جمعیت جوان با کیفیت را نه تنها تهدید نمی‌داند، بلکه یک فرصت محسوب کرده است. جمعیت جوان از نگاه بسیاری از اندیشمندان از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی و قدرت ملی است. تعهد اجتماعی، گرایش به اجتماع، علاقه به کار و نوآوری و ویژگی اصلی جوان و از عناصر مهم قدرت ملی و سرمایه اجتماعی هستند. با توجه به مباحث مورد بحث، جمعیت، یک مقوله فرصت-تهدید است. جمعیتی از نگاه دینی، قدرت ملی و سرمایه اجتماعی است که بتواند استعاره امت اسلامی را بازسازی کند. جمعیت کم و بی‌کیفیت و جمعیت سالخورده، سبک زندگی متفاوتی خواهد داشت. جمعیت پیر نه تنها مولد سرمایه نیست، بلکه مصرف‌کننده سرمایه است. جمعیت پیر، هزینه درمان، مراقبت و بهداشت بالایی دارد. نیروی کار، میزان کار، تولید، پس‌انداز، درآمد کاهش و هزینه مدیریت و کنترل جامعه افزایش می‌یابد. کاهش جمعیت جوان یا پیر شدن آن نه تنها سرمایه فیزیکی جامعه را هدر می‌دهد، بلکه سرمایه فکری، انسانی و اجتماعی جامعه نیز رو به زوال می‌رود. تجزیه و تحلیل جمعیت نشان می‌دهد، ایران در مرحله کاهش مستمر باروری کمتر از حد جانشینی و منفی شدن رشد سالانه و خطر انقراض تدریجی است. سبک زندگی سالخوردگان در عرصه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مسائل داخلی و بین‌المللی با سبک زندگی جوان متمایز است. تنها چیزی که جامعه را از این وضعیت نجات خواهد داد و این سرمایه را احیا خواهد کرد، بازگشت به سبک زندگی اسلامی است.

پیشنهادات

نخست، اجرای اصل دهم قانون اساسی در زمینه آسانسازی قوانین و مقررات

تشکیل و استحکام خانواده و اصل بیست و یکم قانون اساسی برای ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زنان و احیای حقوق مادی و معنوی آنان، حمایت از مادران، اجرای بندهای یک، دوازده و چهارده اصل سوم قانون اساسی برای ایجاد محیط مساعد رشد فضائل اخلاق، ایمان و تقوی، نظام اقتصادی عادلانه و تأمین حقوق زنان و مردان.

دوم، آگاه‌سازی مردم و مسئولان از طریق رسانه‌های جمعی و نظام آموزشی نسبت به عواقب و پیامدهای کاهش جمعیت جوان، سالخورده‌گی و انقراض احتمالی جمعیت.

سوم، ارائه نظرات کارشناسی نهادهای مسئول مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت بهداشت و درمان، مجلس شورای اسلامی، مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال، حوزه علمیه و در نظر گرفتن مشوقهای اساسی برای خانواده‌ها، خصوصاً برای مادران و فرزندان، طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده پس از اصلاح می‌تواند برنامه مفیدی باشد.

چهارم، از آنجائی که جمعیت جوان بزرگترین منابع ملی، سرمایه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی هر کشوری است، توجه به تغییرات شاخص‌های جمعیتی در سالهای اخیر در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی ضروری می‌نماید.

منابع

- قرآن کریم
- آشفته تهرانی، امیر (۱۳۶۴)، *جامعه‌شناسی و آینده‌نگری جمعیت ایران*، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد (۱۴۰۵ق)، *عوالی الآلی*، قم، انتشارات سیدالشهداء (ع).
- ابن خلدون، عبد الرحمان (۱۳۷۵)، *مقدمه ابن خلدون*، جلد ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اطاعت، جواد (۱۳۹۰)، «جمعیت و توسعه پایدار در ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴۲: صص ۷-۴۲.
- بوتول، گاستن (۱۳۷۰)، *اضافه جمعیت بشریت بر لبه پرتگاه*، ترجمه حسن پویان، تهران، انتشارات چاپخش.
- پرسا، رولان (۱۳۷۴)، *آنالیز جمعیت‌شناسی*، ترجمه خسرو اسدی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- پیرنیا، حسن (۱۳۴۵)، «فکر و جمعیت»، *مجله اقتصادی، تهران*، انتشارات حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، شماره ۱۳ و ۱۴: صص ۲۵-۴۵.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۹)، *سرمایه اجتماعی*، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸)، *جمعیت و تنظیم خانواده*، تبریز، نشر جامعه پژوه نشر دانیال.
- توانایان فرد، حسن (۱۳۶۸)، *جمعیت و اقتصاد*، بی‌جا، ناشر مؤلف.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، انتشارات ذوی القربی.
- جهانفر، محمد (۱۳۸۰)، *جمعیت و تنظیم خانواده: جمعیت و بهداشت باروری گامی به سوی توسعه*، تهران، جهان فرهنگی.
- جهانگیر، منصور (تدوین کننده) (۱۳۸۸)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر دوران.
- چاپاگین، جاگان (۱۳۹۰)، «*فزایش مرگ و میر ناشی از پرخوری*». <http://www.salamatnews.com/news>، تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱/۲۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نشر نی.
- حسینی تهرانی، محمد حسین (۱۴۲۵هـ.ق)، *رساله تکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه سهمگین بر پیکر مسلمین، مشهد*، انتشارات ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.
- حسینی شیرازی، صادق (۱۴۲۷هـ.ق)، *أحكام النساء*، قم، انتشارات سلسله.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۸هـ.ق)، *من فقه الزهراء علیها السلام*، جلد ۲، قم، نشر رشید.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸هـ.ق)، *تمکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- خامنه‌ای (آیت الله)، علی (۱۶ مرداد ۱۳۹۰)، *بیانات در دیدار با مسئولان جمهوری اسلامی ایران*، تهران.
- ----- (۱۳۹۲/۸/۶)، *پیام برای همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه*.

- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱)، *مجموعه مباحث جمعیتی جمعیت و توسعه*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ژید، شارل و ریست، شارل (۱۳۴۷)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ذکایی، محمد سعید؛ روشنفکر، پیام (۱۳۸۵)، «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳: صص ۱۱۳-۱۴۶.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۱)، *توسعه بمثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات دستان.
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ ثمری، هانیه (۱۳۹۱)، «بررسی ارتباط مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و شاخص‌های نوآوری در کشورهای منتخب پر جمعیت و کم جمعیت». *فصلنامه راهبرد توسعه*، شماره ۳۲: صص ۴۹-۸۷.
- شعیری، تاجالدین محمد (۱۳۶۳)، *جامع‌الأخبار*، قم، انتشارات رضی.
- شیانی، ملیحه؛ موسوی، میر طاهر و مدنی قهقراخی، سعید (۱۳۸۸)، «سرمایه اجتماعی جوانان ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۳: صص ۵۷-۸۴.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۶۸)، *مقدمه‌ای بر: مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران، نشر آرام.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، جلد ۲۴، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد (۱۴۱۳ هـ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر المیزان*، مترجم سید محمد باقر

- موسوی همدانی، جلد ۸ و ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۸)، *حقوق اساسی*، تهران، نشر میزان.
- طرابلسی، قاضی ابن براج عبد العزیز (۱۴۰۶ هـ.ق)، *المهذب (لابن البراج)*، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمد جواد بلاغی، جلد ۸، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ هـ.ق)، *مجمع البحرین*، جلد ۲، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عالم، عبد الرحمن (۱۳۹۰)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
- فلاح محسن خانی، زهره و جوادی، مریم (۱۳۹۲)، «بررسی تحولات جمعیتی، اجتماعی جمعیت جوان کشور»، *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، سال ۲۴، شماره ۲: صص ۲۴۱-۲۶۰.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران، انتشارات کویر.
- قالیباف، محمد باقر، محمدیان، حسین و حیدری، غلامحسین (۱۳۹۱)، «تحلیل نقش جمعیت کلان شهر تهران در قدرت ملی کشور». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، شماره اول: صص ۸۲-۱۱۱.
- کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۲۵ هـ.ق)، *الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام*، جلد ۲، تهران، دار نشر اللوح المحفوظ.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸)، *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- کلینی، محمد (۱۴۰۷ هـ.ق)، *الکافی*، جلد ۵، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۱)، *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، ترجمه حسین محمودیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ هـ.ق)، *بحار الأنوار*، جلد ۱۰۰، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- مشفق، محمود؛ محمودی، محمدجواد و مطیع حق شناس، نادر (۱۳۹۱)، *افصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، سال چهاردهم، شماره ۵۵: صص ۱۵۱-۱۷۲.
- مصطفوی، حسن (۱۳۹۳ هـ.ق)، تهران، جلد ۱۱، مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، جلد ۶ و ۲۳، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (۱۳۹۱)، *نرم افزار جامع الاحادیث ۳/۵*.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (۲۰۰۶)، *نرم افزار جامع تفاسیر ۲/۱*.
- مک لین، ایان (۱۳۸۱)، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، مترجم احمدی، تهران، نشر میزان.
- مغربی، ابو حنیفه نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ هـ.ق)، *دعائم الإسلام*، جلد ۲، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- موسوی خمینی (امام)، روح الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، جلد ۴ و ۵ و ۷ و ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی سبزواری، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ هـ.ق)، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- نرجه، کامران (۱۳۸۹)، «بازارشناسی مغولستان». <http://www.kamrannarjeh.blogfa.com>. تاریخ دریافت ۱۳۹۳.

- نوری (محدث)، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ هـ.ق)، *مستدرک الوسائل*، ۱۸ جلدی، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- وبستر، اندرو (۱۳۸۱)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی توسعه*، مترجم امیر حسین اصغری، تهران، نشر کوهسار.
- Anderson, W. Thomas. & Golden, Linda L. (1984), "***Lifestyle and psychographics: Acritical review and recommendation***". Advances in Consumer Research, Vol. 11, pp 405-411.
- Yeary, Cheon Kim-Hye, Karen-Ounpraseuth, Songthip-Bursac, Zoran & Greene, Paul, Religion, Social Capital, and Health, Review of Religious Research, 2012, 54:331-347.
- Karabulut, Bilal (2005), *Strateji Jeostrateji Jeopolitik*, Ankara: Platin
- Putnam, R.D. (2000), *Bowling alone: The collapse and revival of American community*, New York, NY: Simon and Schuster Paperbacks.
- Requena, Felix, SOCIAL CAPITAL, SATISFACTION AND QUALITY OF LIFE IN THE WORKPLACE, Social Indicators Research, 2003, 61: 331-360.
- Shuanglin, Lin & Xiaowen, Tian, Population growth and social security financing, *Journal of population Economics*, 2003, 16:91-110.
- Wilkie, William L., 1994, Consumer Behavior. JOHN Wiley & Sons, Inc. New York.